

اعتبارسنجی و نقد کارکردهای حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در منابع فریقین^۱

میثم کهن ترابی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۴/۲۵)

چکیده

روایت «أفضل الأعمال أحمرها» بیانگر پاداش بیشتر برای اعمالی است که با مشقت بیشتری همراه است. این روایت که ابتدا در برخی منابع اهل سنت در قرن دوم نقل شده و به تدریج بعضی منابع شیعه نیز آن را ذکر کرده‌اند، اساساً فاقد سند است و در هیچ یک از منابع روایی معتبر و جوامع حدیثی فریقین نقل نشده است. برخی منابع ناقل روایت، آن را به ابن عباس منتسب کردند. فارغ از ضعف سندی، این روایت از نظر محتوایی و به هنگام عرضه آن بر قرآن، احادیث معتبر و عقل با چالش‌هایی همراه است. قرآن، ملاک کیفی «أحسن» را مورد تأکید قرار می‌دهد و برخی احادیث معتبر اتخاذ مسیر مشروعی که سهل‌تر است را توصیه می‌کنند. این روایت علیرغم ضعف سندی و قلت نقل، در منابع کلامی و به خصوص فقهی بروز قابل توجهی داشته و به آن مکرراً استناد شده است. در مقابل برخی متکلمین و فقها نقدهایی بر آن وارد ساخته‌اند. این نقدها گاه مستند به روایاتی است که رأی فقهی مخالف آنچه مستند به روایت مذکور است را تأیید می‌کند و گاه تأکید بر این نکته مهم است که وقتی مسیر مشروع و آسان‌تری برای انجام یک عمل وجود دارد، تحمیل دشواری نیازمند دلیل نقلی یا عقلی است و این دلایل وجود ندارد. از طرفی نیت عامل و تأثیری که عمل بر حیات آدمی می‌گذارد ملاک فضیلت عمل است و نباید نادیده گرفته شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی و رویکردی انتقادی پس از آنکه به نقد سندی و محتوایی روایت مذکور اقدام کرده، با بیان مصادیقی از بهره‌گیری این روایت در دانش‌های مختلف دینی به بررسی و نقد آن پرداخته است.

کلید واژه‌ها: اعتبارسنجی، أفضل الأعمال أحمرها، کلام، فقه

۱. این مقاله از طرح پژوهشی شماره ۳۹۳۰۵ با عنوان «بررسی سندی و محتوایی حدیث أفضل الأعمال احمرها و نقش آفرینی آن در فقه» که در دانشگاه بزرگمهر قائنات در دست انجام است، استخراج شده است.

kohantorabi@buqaen.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائنات، ایران؛

مقدمه و بیان مسئله

برخی احادیث در حوزه‌های گوناگونی که مربوط به اندیشه دینی است کاربرد گسترده و متنوعی دارند. از جمله این احادیث، حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» است. بر اساس این روایت با فضیلت‌ترین کارها دشوارترین آنهاست. بنابراین اگر به مکلف دو امر عرضه شود هر کدام مشقت بیشتری داشته باشد ثواب بیشتری دارد (تسخیری، ۲/۲۰۹). به عبارتی مادامی که فعلی نهی نشده باشد فضیلت امر مشقت‌آور بیشتر است (فاضلی بهسودی، ۲۴۰). البته در مورد مقایسه میان اعمال، اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ برخی معتقدند دو یا چند عملی که از منظر دشواری با هم مقایسه می‌شود می‌تواند از انواع مختلف باشد مثلاً مقایسه بین حج و نماز؛ یعنی چون حج نسبت به نماز کار دشوارتری است پس فضیلت بیشتری دارد. گروهی نیز بر این باورند که مقایسه باید میان یک نوع باشد مثلاً وضو گرفتن در گرما و سرما یا حج پیاده یا سواره که هر کدام سخت‌تر است فضیلت بیشتری دارد؛ یعنی وضو گرفتن با آب سرد و حج پیاده چون مشقت بیشتری دارد، ثواب بیشتری دارد (بحرانی، ۶/۶). نگاهی به روح حاکم بر قرآن، سنت معتبر و استدلال‌های عقلی، ملاحظات را مطرح می‌کند که قاعده مستنبط از این روایت را با چالش مواجه می‌سازد.

در ارتباط با موضوع «أفضل الأعمال» دو مقاله به رشته تحریر درآمده است. علی‌محمد میرجلیلی و فاطمه محمدآبادی مقاله «معیار حقیقی شناخت افضل اعمال از منظر روایات» را در دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، فرهنگی و پژوهش دینی در سال ۱۳۹۶ ارائه داده‌اند و در آن احادیث مختلفی از جمله «أفضل الأعمال أحمرها» که در موضوع تفضیل اعمال وارد شده به اجمال بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که بهترین تفسیر از افضل الأعمال، نیت خالص است. این مقاله مباحث مربوط به نقد سندی، محتوایی و همچنین کاربرد آن در علوم مختلف را مورد بررسی قرار نداده است. حسن نقی‌زاده و فاطمه کرمی در فصلنامه علوم حدیث در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای با عنوان

«روایات تفضیل در اصول کافی، هم‌ساز یا ناسازگار» به موضوع روایاتی که در آن به تفضیل اعمال در کتاب الکافی اشاره شده پرداخته و اشاره‌ای بسیار مختصر به روایت مورد بحث نیز داشته‌اند، اما اساساً به صورت مشخص به آن نپرداخته و نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که روایات افضل اعمال در کافی با هم ناسازگار نیست.

بنابراین پژوهش حاضر برای پر کردن خلأ موجود پیرامون روایت «أفضل الأعمال أحمزها» با طرح سه پرسش اساسی نگاشته شده است: روایت مذکور از منظر سندی و محتوایی از چه اعتباری برخوردار است؟ در علوم مختلف چه ظهور و کارکردی داشته است؟ و چه نقدی بر این کارکرد وارد است؟ این مقاله با بهره‌گیری از ابزارهای دانش درایه الحدیث و فقه الحدیث و همچنین استدلال عقلی به دنبال پاسخ به پرسش‌های فوق است.

۱- اولین منابع ناقل روایت

روایت «أفضل الأعمال أحمزها» در هیچ‌کدام از جوامع روایی شیعه و اهل سنت نقل نشده است. اولین ظهور این روایت در قرن دوم در منابع اهل سنت بوده است. محمد بن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹ق) در کتاب «الکسب» بدون ذکر سند نقل کرده است: «از پیامبر ﷺ پرسیده شد کدام اعمال برتر است؟ ایشان فرمود «أحمزها» (شیبانی، ۴۹؛ ۹۵). قاسم بن سلام (متوفی ۲۲۴ق) در اوایل قرن سوم در کتاب مشهور خود به نام غریب الحدیث این روایت را باز هم بدون ذکر سند نقل کرده اما آن را به پیامبر ﷺ انتساب نداده، بلکه از ابن عباس نقل کرده و از عبارت «فی حدیث ابن عباس» استفاده کرده است (قاسم بن سلام، ۲۳۳/۴). با توجه به اینکه این عبارت را در موارد متعدد دیگری نیز به کار برده است، به نظر می‌رسد سخن ابن عباس است. از آنجا که اهل سنت اقوال و اعمال صحابه را نیز در زمره احادیث می‌دانند (شانه‌چی، ۱۰) - در حالی که شیعیان به آن حدیث موقوف یا مقطوعه می‌گویند که در زمره احادیث ضعیف قرار دارد (فضلی، ۱۰۱) - این دیدگاه تقویت می‌شود که قاسم بن سلام ناقل این سخن را ابن عباس دانسته است. ابن

قتیبہ دینوری (متوفی ۲۷۶ق) ناقل بعدی این روایت است که صراحته عنوان کرده است این سخن از ابن عباس است. او می‌نویسد: از ابن عباس پرسیده شد چه اعمالی برتر است؟ پاسخ داد: سخت‌ترین آن‌ها (ابن قتیبہ دینوری، ۷۰/۱). ابراهیم حربی (متوفی ۲۸۵ق) در کتاب غریب الحدیث خود بدون ذکر ناقل و سند با فعل مجهول «گفته شده است» این روایت را ذکر کرده است (حربی، ۸۰/۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد که دیگر کتب حدیثی متقدم این حدیث را نقل نکرده‌اند. البته در برخی کتب لغت ذکر شده است. مؤلف کتاب تهذیب اللغة (متوفی ۳۷۰ق) آن را از ابن عباس نقل کرده است (ازهری، ۲۲۰/۴). ابن فارس (متوفی ۳۹۵ق) نیز صرفاً با بیان این جمله که «در حدیث آمده است» آن را نقل کرده است (ابن فارس، ۲۵۱). این روایت در برخی کتب متأخر اهل سنت به صورت «أفضل العبادات أحمرها» (سخاوی، ۱۳۰/۱) و «أفضل العبادة أحمرها» (عجلونی، ۵۵/۱) نیز آمده است.

عبارت «أفضل الأعمال أحمرها» در منابع شیعه برای اولین بار در کتاب العین فراهیدی (متوفی ۱۷۰ق) به چشم می‌خورد. فراهیدی آورده است: ابن عباس گفته است بهترین اعمال سخت‌ترین آنهاست (فراهیدی، ۶۸/۳). پس از آن در قرن دهم، ابن ابی‌جمهور احسائی در کتاب خود ذیل بحث از رجحان زیارت امام حسین علیه السلام بر حج می‌گوید: این مطلب ظاهراً با این سخن معصوم که با فضیلت‌ترین اعمال، سخت‌ترین آنهاست تعارض دارد و ما برای آن جواب داریم... (ابن ابی‌جمهور، ۲۰۵/۱). او نه سندی ذکر کرده و نه نام گوینده‌ی روایت را بیان کرده است. علامه مجلسی که حدود یک قرن پس از ابن ابی‌جمهور می‌زیسته، در کتاب بحار الأنوار بدون ذکر سند می‌نویسد: میان شیعه و اهل سنت مشهور است که «أفضل الأعمال أحمرها» (مجلسی، ۲۲۹/۸۲).

این روایت گرچه در منابع تفسیری و فقهی مکرراً نقل شده، اما نقل آن در منابع روایی فریقین بسیار اندک بوده است که در سطور فوق به قدیمی‌ترین و مهم‌ترین آنها اشاره شد.

۲- اعتبارسنجی روایت

پیش از آنکه کارکردهای این روایت در حوزه‌های مختلف بیان شود، ضروری است اعتبار آن از منظر سندی و محتوایی مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. اعتبار سنجی سندی

سنجش اعتبار سند این روایت از آنجا که اساساً سندی برای آن نقل نشده است، کار دشواری نیست. هیچ‌یک از منابع شیعه و سنی که این روایت را بیان کرده برای آن سندی نیاورده است. از طرفی دیگر منابع متقدم اهل سنت که اولین ناقلان این روایت بوده‌اند در بیان گوینده آن اختلاف نقل دارند؛ برخی آن را به پیامبر ﷺ نسبت داده و گروهی سخن ابن عباس می‌دانند. ابن قیم می‌گوید: این روایت، منشأیی ندارد (ابن قیم جوزیه، ۸۰/۱). نویسنده کتاب کشف الخفاء می‌نویسد این حدیثی ناشناخته است و از مزی نقل کرده که گفته است این حدیث غریبی است که در هیچ‌یک از کتب سته نیامده است (عجلونی، ۱۵۵/۱).

عدم نقل حدیث در منابع روایی معتبر شیعه نیز آن را با ضعف مواجه می‌سازد (بحرانی، ۱۷۰). ابن ابی‌جمهور احسائی به عنوان اولین ناقل حدیث شیعه بدون ذکر گوینده و بدون سند آن را روایت کرده که موجب قرارگرفتن حدیث در زمره احادیث ضعیف می‌شود، ضمن اینکه اعتبار کتاب عوالی اللئالی به جهت نقل برخی مطالب، توسط گروهی از محققان زیر سوال رفته است. علامه مجلسی گفته است که صرفاً برخی احادیث آن را در بحار الأنوار آورده است (مجلسی، ۳۱/۱). خوانساری ابن ابی‌جمهور را موثق و معتبر نمی‌داند (خوانساری، ۳۳/۷). از جمله نقدهای وارد شده به او نقل روایات مرسل، مرویات عامه و تساهل در نقل روایات است.

علامه مجلسی به هنگام نقل این روایت اگرچه در ابتدا آن را میان شیعه و سنی مشهور معرفی کرده است، اما پیش از آنکه به بیان مفهوم آن پردازد از عبارت «بر فرض اینکه بپذیریم صحیح است» استفاده کرده (مجلسی، ۲۲۹/۸۲) که بیانگر آن است مجلسی نیز به

صحت آن تردید داشته است (سیفی، ۱۶۰/۴). نکته قابل ذکر دیگر در بیان مجلسی استفاده از واژه «مشهور» برای این روایت است. بدیهی است که مراد او از مشهور، شهرت روایی نیست؛ چرا که نقل این حدیث در جوامع حدیثی و کتب روایی معتبر نیامده است (همان)، بلکه مراد کثرت استفاده از آن در کتب تفسیری، فقهی و کلامی است. لازم به ذکر است مجلسی اول نیز آنگاه که فضیلت نماز و حج را با هم مقایسه می‌کند به این حدیث اشاره نموده و با عبارت «بر تقدیر صحت»، عدم اطمینان خود از صدور آن از جانب معصوم را اعلام می‌کند (مجلسی اول، ۸۹/۳).

۲-۲. اعتبارسنجی محتوایی

بخشی از نقدهای محتوایی این حدیث در ادامه مقاله و در نقد کارکردهای آن بیان می‌شود؛ علی‌هذا نقدهایی کلی بر محتوای حدیث وارد است که مختصراً مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲. سنجش محتوا با قرآن

آیات قرآن عمل صالح را عمل مقبول و موجب وصول به حیات طیبه (النحل، ۹۷) و لقاء پروردگار (الکهف، ۱۱۰) می‌دانند. آنچه اهمیت دارد این است که عمل نیکو در بستر ایمان به پروردگار انجام شود (آل عمران، ۱۱۴؛ النساء، ۱۲۴) تا انسان را به رستگاری رهنمون سازد (القصص، ۶۸). تلازم ایمان و عمل صالح در ده‌ها آیه قرآن گواهی بر این ادعاست که قرآن فارغ از کمیت و تعیین حدود و ثغور به بطن عمل و تأثیر آن بر حیات فردی و اجتماعی تأکید می‌کند؛ چنانکه قرآن انفاق را هر چند هم که زیاد باشد اگر با منت و اذیت همراه شود و یا از روی ریا باشد فاقد ارزش می‌داند (البقره، ۲۶۴). اندیشه کمیت‌گرایی دینداران همواره به دنبال متر و معیاری کمی برای عمل صالح بوده است. در شأن نزول آیه «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» (البقره، ۲۱۹) آمده است: گروهی از صحابه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند اینکه می‌گویید در راه خدا انفاق کنیم ما نمی‌دانیم چه مقدار از

اموال خود را انفاق کنیم؟ (سیوطی، ۲۵۳/۱). پاسخ‌های متعددی در روایات نقل شده است از جمله اینکه گفته شده بهترین انفاق، عفو و گذشت است (مکارم شیرازی، ۱۲۱/۲) که پاسخی کیفی به یک پرسش کمی است.

قرآن در مقام بیان مقایسه میان اعمال از واژه «أحسن» استفاده می‌کند که بیانگر اولویت کیفیت عمل بر کمیت آن است: «وَلَا يُفْقُونَ تَفَقَّهُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (التوبه، ۱۲۱). در این آیه خداوند بیان می‌دارد که تمامی اعمال شما نوشته می‌شود تا به نیکوترین آن پاداش داده شود. همین سخن در آیات دیگر تکرار شده است (النور، ۳۸؛ العنکبوت، ۷). وقتی از کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند سخن می‌گوید، با عبارت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (الکهف، ۳۰) به این مهم تأکید می‌ورزد که آنچه در ایمان و عمل صالح مهم است «أحسن» بودن آن است. اساساً آزمایش‌های الهی برای آن است که کسانی که «أحسن عملاً» را انجام می‌دهند مشخص شوند (هود، ۷؛ الکهف، ۷؛ الملک، ۲) و در نهایت با بیان «أُولَئِكَ الَّذِينَ نَقَبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا» (الأحقاف، ۱۶)، عمل مقبول را عمل احسن می‌داند.

از آنچه در سطور فوق بیان شد معلوم می‌شود که ملاک قرآن برای عمل، تلازم آن با ایمان و احسن بودن آن است.

۲-۲-۲. سنجش روایت با احادیث معتبر

تشکیل خانواده حدیث یکی از راه‌های نقد متن حدیث است. به همین جهت برخی روایات هم‌موضوع که از نظر محتوایی متفاوت با حدیث مورد بحث است مرور می‌شود. شیخ طوسی در کتاب تهذیب الأحکام از حنان بن سدید نقل می‌کند که من، پدرم و ابوحمزه ثمالی، عبدالرحیم قصیر و زیاد الأحلام وارد بر امام باقر علیه السلام شدیم. ایشان زیاد را دید که پوست بدنش مجروح شده بود از او پرسید از کجا مُحرِم شدی گفت از کوفه.

امام علیه السلام پرسید چرا در کوفه مُحَرَّم شدی؟ پاسخ داد از شما برای من روایت شده بود که هر کس از منطقه‌ای دورتر محرم شود پاداش بیشتری دارد. امام علیه السلام فرمود هرکس این را به تو گفته دروغگوست. آنگاه از ابو حمزه پرسید تو کجا محرم شدی گفت ریزه امام باقر علیه السلام به او گفت چون شنیده‌ای که قبر ابوذر آنجاست خواستی بدون احرام از آنجا عبور نکنی. سپس از پدرم و عبدالرحیم پرسید شما کجا محرم شده‌اید؟ پاسخ دادند از عقیق! امام علیه السلام فرمود شما از رخصت استفاده کرده و از سنت تبعیت کرده‌اید. به درستی اگر دو راه حلال بر من عرضه شود من راه آسان‌تر را برمی‌گزینم؛ چرا که خداوند آسان‌گیر است و آسانی را دوست دارد و به آسانی پاداشی می‌دهد که به مشقت نمی‌دهد (طوسی، ۵۲/۵).

این حدیث دارای سندی معتبر در یکی از جوامع روایی شیعه است و در مقابل حدیث مورد بحث که در هیچ کتاب معتبری ذکر نشده و اساساً فاقد سند است، از اعتبار بسیار بالاتری برخوردار است. محتوای آن کاملاً بر خلاف روایت مذکور است به خصوص سخن انتهایی حدیث از امام باقر علیه السلام که بر خلاف حدیث «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» توصیه می‌کند که اگر دو مسیر مشروع برای انجام کاری وجود داشته باشد من مسیر ساده‌تر را برمی‌گزینم. برخی از دانشمندان همین ملاک را برای فضیلت بیشتر برگزیده‌اند. به عنوان نمونه سمعانی در تفسیر آیه «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (البقره، ۱۰۶) می‌نویسد: درست آن است که بگوییم بخیر یعنی اینکه هم نفع بیشتری داشته باشد و هم سهل‌تر باشد؛ به عبارتی بخیر یعنی سودمندتر و آسان‌تر (سمعانی، ۱۲۳/۱).

شیخ صدوق در حدیثی طولانی که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام است این جمله را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ای علی! خواب عالم از عبادت عابد با فضیلت‌تر است» (صدوق، ۳۶۷/۴). این حدیث که سند کاملی دارد و نیمی از راویان آن معصومین هستند، خواب را که ساده‌تر است بر بیداری و عبادت ترجیح داده است. ممکن است گفته شود بین دو عالم باید مقایسه صورت گیرد تا حدیث أفضل الأعمال أحمزها موجه شود. در پاسخ لازم است به این مهم اشاره شود که ملاک‌های متعددی از جمله احسن بودن، منطبق بر

سنت بودن و دیگر شرایط حاکم بر افراد موجب می‌شود نتوانیم در قالب یک قاعده، دشواری عمل را موجب فضیلت بدانیم. به عبارتی تخصیص‌های متعدد، قاعده را از تمام بودن خارج می‌کند و عملاً تخصیص اکثر اتفاق می‌افتد.

برخی از موافقان روایت مورد بحث به این عبارت از علی علیه السلام در نهج البلاغه استناد کرده‌اند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ» (سید رضی، حکمت ۲۴۹) اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت آن است که این سخن نمی‌تواند مؤیدی بر حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» باشد؛ چرا که دو طرف قیاس متفاوتند. به عبارتی قیاس بین دو عمل مشروع نیست که یکی بر دیگری رجحان داشته باشد، بلکه در اینجا سخن از موافقت یک عمل با نفس اماره و مخالفت آن است؛ بنابراین در اینجا فضیلت عملی که بر نفس اجبار شده به خاطر مخالفت نفس با آن است (مکارم شیرازی، ۶۸/۱۴).

روایات دیگری را نیز می‌توان در خانواده حدیثی قرارداد، با این حال چون به‌مناسبت بحث در قسمت‌های بعدی ذکر خواهد شد، از نقل آن‌ها در این مجال پرهیز می‌شود.

۳-۲-۲. سنجش روایت با عقل

بسیاری از مفسران، محدثان و فقیهان ذیل این روایت نکاتی مطرح کرده‌اند که اگرچه ممکن است از آیات قرآنی و سخن معصومین گرفته شده باشد، اما از آنجا که از استدلال عقلی بهره گرفته در نقد این حدیث از آن‌ها استفاده کرده‌اند. از جمله افرادی که از دریچه استدلال عقلی به این حدیث پرداخته، فخر رازی است. او در تفسیر خود می‌نویسد: چگونه از مشقت بیشتر به ثواب بیشتر می‌توان رسید؟ ما برخی از صوفیه را در زمان خود می‌بینیم که مرارت‌ها و مشقت‌های فراوانی را تحمل می‌کنند که مانند آن از هیچ کدام از انبیاء و اولیاء نقل نشده است اما آیا می‌توانیم بگوییم پاداش آن‌ها بیشتر است؟ در واقع پاداش بیشتر به دلایل و نیت‌ها وابسته است چه بسا یک فعل که دو مکلف آن را انجام می‌دهند موجب شود پاداش عظیمی به یکی داده شود و دیگری صرفاً مستحق پاداش اندکی باشد چون اخلاص اولی از دومی بیشتر

بوده است (فخر رازی، ۴۳۱/۲). ملاصدرا نیز در تفسیر خود پس از ذکر این روایت می‌نویسد: ملاک در موضوع عبادت، اخلاص است نه مشقت. ما در عبادات جاهلان اهل تصوف و اعمال مرتاضان کافر هندی و برخی ملحدان مشقت‌های فراوانی می‌بینیم در حالی که یقین داریم منزلت بسیار پایی دارند (ملاصدرا، ۵۳/۳).

فخر رازی از آنجا که دأب تشکیکی او اقتضا می‌کند در یکی دیگر از آثار خود به نام الأربعین فی اصول الدین نظر دیگری ابراز می‌کند: اگر عبادات آسان و دشوار پاداش برابری داشته باشند، تحمل آن دشواری بی‌فایده و مضر است و تحمل ضرر خالی از فایده قطعاً محذور است و واجب است ممنوع شود و حال که چنین نیست پس می‌فهمیم که آنچه دشوارتر است ثواب بیشتری دارد (فخر رازی، ۱۸۰/۲).

نکته مهمی که فخر رازی از آن غفلت کرده این است که او بین عملی که ذاتاً از عمل دیگر دشوارتر است تفکیک قائل نشده است. به عبارتی عملی را که ذاتاً سخت و مشقت آور نباشد و آدمی برای انجام آن مشقتی بر خود تحمیل کند با حالتی که خود عمل ذاتاً مشقت دارد نباید یکی دانست. اگر حدیث «أفضل الأعمال أحملها» را حمل بر صحت کنیم بیانگر حالت دوم است یعنی انجام عملی که دشوار است فضیلت بیشتری دارد. اما در مورد حالت اول به عنوان مثال اگر در هوای سرد، آب گرم در اختیار شخص باشد و او از آب سرد برای وضو گرفتن استفاده کند، عقلاً قابل توجیه نیست و مشمول این قاعده - بر فرض وجود - نمی‌شود (نک: مکارم شیرازی، درس خارج فقه مورخه ۹۲/۸/۵ بارگذاری شده در وب سایت مدرسه فقاها^۱).

۳- کارکردهای روایت «أفضل الأعمال أحملها»

علی‌رغم اینکه این روایت از لحاظ سندی با ضعف جدی مواجه است و از شهرت روایی نیز برخوردار نیست اما در حوزه‌های متعددی از علوم دینی مورد استفاده قرار گرفته

1. www.eshia.ir

است. بر اساس جستجوی نگارنده این بهره‌گیری در سه حوزه علم کلام، اصول فقه و فقه بوده که فراوانی آن در فقه است. در ادامه به بیان و نقد این کارکرد می‌پردازیم.

۳-۱. علم کلام

از جمله مباحث کلامی که در آن و در مقام استدلال از این روایت استفاده شده، موضوع مقایسه بین فرشتگان و انسان به خصوص انبیا است. همچنین عبادت این دو گروه با هم مقایسه شده است. هم متکلمین شیعه و هم اهل سنت از این روایت در این مبحث کلامی استفاده کرده‌اند.

خواجه نصیرالدین طوسی در بحثی با این عنوان که آیا انبیا بر ملائکه افضل هستند یا نه اینگونه استدلال کرده و گفته است: برخلاف معتزله و فلاسفه، از دیدگاه ما انبیا افضل هستند. سپس در بخشی از استدلال خود می‌آورد: انسان علیرغم انواع موانع داخلی و خارجی و کثرت شهوت و غضب به معرفت و محبت خدا می‌رسد در حالی که ملائکه اینگونه نیستند. از این رو اطاعت بشر دشوارتر و بر اساس روایت «أفضل العبادات أحمزها» با فضیلت‌تر است (نصیرالدین طوسی، ۳۷۴). فخر رازی نیز دقیقاً از همین استدلال و با همین استناد، حکم بر افضل بودن انبیا بر ملائکه می‌دهد (فخر رازی، ۵۳۲). علامه حلی در کشف المراد استدلال‌های موافقان و مخالفان افضل بودن انبیا بر ملائکه را ذکر و روایت مذکور را به عنوان مستند موافقان نقل می‌کند (حلی، ۳۶۰).

۳-۱-۱. نقد و بررسی

به نظر می‌رسد قیاس میان انبیا و ملائکه و همچنین استناد به این روایت برای حل این قیاس با ایرادی اساسی مواجه است. این قیاس نه فقط در مورد انبیا و ملائکه بلکه در موارد مشابه هم می‌تواند صورت پذیرد. به عنوان مثال قیاس میان دو انسان که یکی بیشتر در معرض خطاست و دیگری در شرایطی قرار دارد که احتمال خطا برای او به مراتب کمتر است. همچنین است در مورد پاداش دو روزه‌دار که روزه برای یکی از آنها به جهت

توانایی بیشتر بدنی سهل تر و برای دیگری دشوارتر است. اگر این بحث دنبال و ریشه‌یابی شود چه بسا مستلزم نفی عدالت الهی است. بنابراین همانگونه که مؤلف انوار الأصول می‌گوید در نظر نگرفتن خصوصیات ذاتی و پیرامونی و همچنین غفلت از رابطه مهم میان استعداد و عمل در چنین مواردی ناصحیح است و مستلزم زیر سوال رفتن عدالت الهی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱/۲۶۰). از این رو اساساً این قیاس و به تبع آن استناد به روایت افضل الأعمال احمزها ناتمام می‌نماید.

۳-۲. اصول فقه

محقق حلی در کتاب معارج الأصول می‌نویسد: «هنگامی که در مورد دو دیدگاه اختلاف نظر وجود داشته باشد آیا ضروری است که حکم سبک‌تر اخذ شود به این خاطر که دلالتی قطعی بر هیچ کدام وجود ندارد؟ او مفصلاً به این پرسش پرداخته و می‌گوید به این سوال دو پاسخ داده شده است. گروهی معتقدند باید به حکم سبک‌تر عمل کرد و گروهی دیگر بر این باورند که حکم سخت‌تر را باید ملاک عمل قرار داد. او سپس استدلال‌های عقلی و نقلی هر دو گروه را می‌آورد و هنگام طرح استدلال‌های نقلی گروه دوم می‌نویسد: آنها می‌گویند عمل به حکم سخت‌تر افضل و به تبع آن واجب است؛ چرا که در حدیث آمده: «أفضل العبادات أحمزها» و از آنجا که افضل خیر است و قرآن در عبارت «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» به آن امر کرده، پس عمل به آن واجب است» (محقق حلی، ۲۱۴-۲۱۵).

علامه حلی بحثی را با عنوان «اجتهاد پیامبر ﷺ» مطرح کرده و می‌نویسد: «در این باره اختلاف نظر وجود دارد. امامیه و جبائیان معتقدند که پیامبر ﷺ در احکام اجتهاد نمی‌کرد، شافعی معتقد به جواز آن بود و گروهی دیگر هم معتقدند در جنگ‌ها اجتهاد می‌کرد ولی در احکام دینی نه. مابقی هم توقف کرده و نظری نداده‌اند. او پس از بحثی مفصل در این باره به دلایل و مستندات مختلف از هر گروه پرداخته و در بخشی از آن آورده است: برخی می‌گویند عمل به اجتهاد سخت‌تر است از عمل به نص؛ چرا که بنا به

حدیث پیامبر ﷺ که فرمود «أفضل العبادات أحمزها» عمل به اجتهاد ثواب بیشتری دارد و اگر پیامبر به اجتهاد عمل نکند در حالی که امت او این کار را انجام می‌دهند امتش بر او فضیلت می‌یابد و این باطل است». (حلی، ۱۷۲/۵-۱۸۱)

آخوند خراسانی در بحث تعلق پاداش و عقاب به مقدمات در واجب نفسی و غیری با اشاره تلویحی به این روایت می‌گوید اگر مقدمه‌ای ترک شود و موجب ترک ذی المقدمه شود مستحق عقوبت است. از طرفی انجام مقدمات به قصد امتثال ذی المقدمه موجب افزوده شدن ثواب می‌گردد؛ چرا که در این حالت او افضل الأعمال را انجام داده و رنج و مشقت بیشتری را تحمل کرده است (آخوند خراسانی، ۱۱۰). پس از آخوند خراسانی بسیاری از اصولیان، همین مطلب را از او اخذ کرده و در کتب خود آورده‌اند که به جهت پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۳-۲-۱. نقد و بررسی

محقق حلی پس از ذکر نظرات موافقان عمل به حکم سخت‌تر به استناد روایت مذکور می‌گوید: می‌گویند عمل به حکم سخت‌تر افضل است. پاسخ من این است چه زمانی؟ زمانی که ثابت شده ما مأمور به انجام آن هستیم یا ثابت نشده و مسلم نیست که ما به انجام آن عمل امر شده‌ایم؟ در مورد حدیث «أفضل العبادات أحمزها» اعتقاد ما این است: مادامی برای ما ملاک عمل است که ثابت شده باشد مأمور به انجام آن عبادت هستیم (محقق حلی، ۲۱۶). سخن محقق حلی به‌درستی بر این نکته تأکید می‌ورزد که ما عملی را انجام می‌دهیم که مکلف به انجام آن باشیم فارغ از آنکه آن عمل خفیف یا ثقیل باشد. سخن او ناظر بر همان اوصاف ذاتی عمل است. علامه حلی نیز در ردّ استناد به این روایت در موضوع عمل پیامبر به اجتهاد، قیاس را باطل می‌داند و معتقد است خود عمل به اجتهاد مشروط به نص است. از طرفی مشقت آنگاه موجب ثواب بیشتر می‌شود که مطلوب شارع باشد و اساساً زمانی که از نظر ما پیامبر ﷺ توسط خداوند اجازه اجتهاد نداشته چگونه

می‌تواند این عمل مطلوب شارع بوده باشد؟ (حلی، ۱۸۱/۵).

۳-۳. فقه

بیشترین ظهور این روایت در دانش فقه بوده است. فقها در موارد متعددی به این روایت استناد و به صدور رأی خویش اقدام کرده‌اند. از آنجا که نقل تمامی مصادیق ممکن نیست در ادامه به‌عنوان نمونه به مصادیقی چند پرداخته می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب الخلاف در ارتباط با کیفیت وقوف در عرفه می‌گوید: «وقوف در عرفه هم می‌تواند به صورت سواره باشد هم نشسته. برخی گفته‌اند سواره افضل است اما این رأی نیاز به دلیل دارد اما از آنجا که قیام، از نشسته‌بودن دشوارتر است، افضل است» (طوسی، ۳۳۷/۲). او همین رأی را در المبسوط نیز بیان می‌کند (طوسی، ۳۶۷/۱). علامه حلی نیز با استناد به این روایت، همین دیدگاه را پذیرفته است (حلی، ۱۷۱/۸). صاحب ریاض المسائل در مورد سعی صفا و مروه می‌گوید بهتر است سعی صفا و مروه به صورت پیاده انجام شود؛ چرا که سخت‌تر است و با فضیلت‌ترین اعمال سخت‌ترین آن است (طباطبایی، ۱۲۲/۷).

روزه در برخی اوقات و اماکن سخت‌تر است و چون اعمال سخت فضیلت بیشتری دارند، این روزه افضل است (شهید ثانی، ۳۵۰/۱۱). در مورد حج و قیاس آن با نماز برخی فقها در شرح روایتی که در آن حج از نماز با فضیلت‌تر معرفی شده می‌گویند: دلیل این فضیلت آن است که حج سخت‌تر است و حاوی عبادات متعددی است. در حج، نماز هست اما در نماز حج نیست و همین امر موجب مشقت بیشتر و به‌تبع آن ثواب بیشتری می‌شود (یزدی، ۲۰۸/۲).

علامه حلی در ارتباط با فضیلت تشییع جنازه به‌صورت پیاده می‌گوید چون این کار دشوارتر است و نقل شده که اعمال دشوارتر با فضیلت‌ترند بنابراین مستحب است که تشییع جنازه پیاده باشد و در حال سواره کراهت دارد (حلی، ۲۷۰/۷). صاحب جواهر نیز در

همین رابطه می‌نویسد: این کار علاوه بر اینکه تأسی به پیامبر ﷺ و امامان معصومین است، دشوارتر و بنا به روایت أفضل الأعمال أحمرها با فضیلت‌تر است (نجفی، ۲۶۵/۴). در مورد رجحان قیام در نوافل نیز به این روایت استناد شده است (نجفی، ۲۱۹/۱۲). یکی از شارحان بخاری در شرح حدیثی در مورد فضیلت نماز با استناد به این روایت می‌گوید: هر نمازی که در آن مشقت بیشتر از بقیه - به جهت بُعد مسافت نمازگزار و... - وجود داشته باشد افضل است و به همین جهت فضیلت نماز صبح بیشتر است چون پس از خواب و راحتی بدن انجام می‌شود و خواندن نماز در چنین حالتی سختی بیشتری به همراه دارد (عینی، ۱۶۹/۵). امام خمینی درباره وضوی مستحاضه برای نافله می‌گوید: صحت فرائض متوقف بر وضو است، همین گونه است در مورد صحت نوافل و مستحاضه اگر طالب ثواب است اگرچه برای او مشقت دارد اگر با وضو نوافل را به جای بیاورد، به جهت این مشقت ثواب بیشتری دریافت می‌کند (خمینی، ۴۵۴/۱).

۳-۳-۱. نقد و بررسی

آنچه در نقد بهره‌گیری از این روایت در دانش کلام و اصول فقه بیان شد در اینجا نیز صادق است. به جهت پرهیز از تکرار از نقل مجدد آنها خودداری می‌شود، لکن علاوه بر آنچه گفته شد مهمترین نقدی که در حوزه دانش فقه می‌توان مطرح کرد تعدد تخصیص‌ها و سپس تقییدهای فراوان است. به عبارتی این تخصیصات و قیودی که برای اعمال مفاد این قاعده در مقام سنجش بیان شده، عام بودن و مطلق بودن آن را به چالش می‌کشد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در ارتباط با اعمالی همچون قیام در عرفات، بحرانی پس از نقل نظر فقها به این نکته تأکید می‌کند که اگر قیام به جهت سختی که ایجاد می‌کند موجب از بین رفتن خشوع قلبی شود ساقط می‌شود (بحرانی، ۳۹۸/۱۶). شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۶۲/۱) و محقق سبزواری نیز همین قید را مطرح می‌کنند (محقق سبزواری، ۶۵۵/۳). اگر بپذیریم که در

قیام، ادب بیشتری نسبت به نشستن وجود ندارد این فضیلت ثابت نمی‌شود و اگر شخص، کار دشوارتر انجام دهد معلوم نیست که مستحق پاداش بیشتری باشد؛ چرا که برای پروردگار از منظر ادب، ایستادن با نشستن مساوی است. همچنین است در آفتاب بودن یا سایه بودن بنابراین اگر شخصی در زیر آفتاب دعا کند دلیلی ندارد که سزاوار ثواب بیشتری باشد؛ چرا که دلیلی ندارد انسان خودش را به دردسر انداخته و آنگاه از پروردگار اجر بیشتری مطالبه کند (مکارم شیرازی، درس خارج فقه ۵ آبان ۹۲ موجود در سایت مدرسه فقاقت).

روایاتی وجود دارد که از منظر سندی بر روایت افضل الأعمال برتری دارد. بسیاری از فقها این روایات را تخصیصی بر قاعده افضل الأعمال احمزها دانسته‌اند؛ از جمله تسبیح حضرت زهرا(س) که در روایات تصریح شده خداوند چیری با فضیلت‌تر از آن تشریع نکرده است (کلینی، ۳/۳۴۳) و از هزار رکعت نماز در هر روز با فضیلت‌تر معرفی شده است (همان). این در حالی است که تسبیح حضرت زهرا(س) حتی از خواندن یک رکعت نماز نیز مشقت بدنی کمتری دارد. به همین جهت شیخ بهائی احادیث فضیلت تسبیح حضرت زهرا(س) را مخصّص قاعده‌ی برگرفته از روایت مذکور می‌داند (بهایی، ۲۶۰).

تخصیص بعدی مربوط به افطار روزه مستحبی است. در روایتی آمده است که علی بن حدید از امام صادق(ع) سوال کرد که من بر گروهی وارد شدم که غذا می‌خوردند و من روزه بودم آنها از من خواستند افطار کنم. ایشان پاسخ داد افطار کن که افضل است (کلینی، ۱۵۱/۴). در اینجا افطار سهل‌تر از ادامه روزه است، اما افضل معرفی شده است.

دیگر بحثی که محمل نظرات گوناگونی بوده، پیاده یا سواره رفتن به حج است. در پاسخ به گروهی که پیاده رفتن را به سبب مشقت بیشتر و همچنین تأسی به پیاده رفتن حج توسط امام حسن(ع) افضل می‌دانند، احادیثی مطرح شده که سواره رفتن را افضل می‌دانند. رفاعه از امام صادق(ع) درباره حرکت پیاده امام حسن(ع) به حج گفت و از ایشان پرسید کدام افضل است؟ ایشان فرمود: سواره رفتن افضل است زیرا که پیامبر خدا سواره می‌رفت (کلینی، ۴/۴۵۶). سیف التمار می‌گوید از امام صادق(ع) پرسیدم پیاده بیایم یا سواره؟ ایشان پاسخ داد سوار آمدن نزد من محبوب‌تر است؛ چرا که به انجام بهتر دعا و عبادات

کمک می‌کند (صدوق، ۱۲/۵). علتی که امام علیه السلام در انتهای حدیث بیان می‌کنند بسیار راهگشا و تأکید بر این نکته است که نباید کیفیت عبادت و مناسک به جهت مشقت آن قربانی کمیت شود. از همین روست که برخی معتقدند توصیه به فضیلت پیاده رفتن برای زیارت امام حسین علیه السلام به این دلیل است که برای آن نص خاصی وارد شده است (سیفی، ۸۵/۵). بنابراین در انجام حج و دیگر زیارات، قاعده بر سواره رفتن است و پیاده رفتن به سوی کربلا به جهت ورود نص خاص از این قاعده خارج است.

تخصیص دیگری که مطرح شده افضل بودن گریه بر امام حسین علیه السلام است. شیخ بهائی در این رابطه می‌نویسد: در روایات آمده که پاداش گریه برای امام حسین علیه السلام مساوی پاداش یکصد شهید است و پاداش کظم غیظ، اجر یک شهید دارد در حالی که کظم غیظ امری دشوارتر است بنابراین باید روایات افضل بودن گریه بر امام حسین علیه السلام را مخصص روایت أفضل الأعمال أحمرها بدانیم (بهایی، ۱۳۰).

گذشته از موارد فوق، نقدهایی مبنایی بر استفاده از این روایت در فقه وارد شده است. محقق کرکی در این رابطه می‌گوید با استناد به این روایت گفته شده است حج که سخت‌تر است بر نماز که آسان‌تر است افضل است، در حالی که این استدلال بعید است و دلیلی ندارد که بعد از ورود نص به تفضیل نماز بر دیگر اعمال، به مجرد مشقت یک عمل آن را تفضیل دهیم و اگر گفته شود حکمت تفضیل عملِ قلیلی که مشقت ندارد بر عمل کثیری که همراه با مشقت است چیست؟ پاسخ می‌دهیم حکمت آن بر ما پوشیده است و این پوشیدگی دلیل بر نفی آن نباید باشد. ما حکمت بسیاری از شریعات را نمی‌دانیم (محقق کرکی، ۷۹/۱). سخن محقق کرکی از قضا حاوی نکته مهمی است؛ به عنوان مثال آنانی که تشییع جنازه به صورت پیاده را افضل می‌دانند، از کجا می‌دانند این برتری به سبب مشقت بیشتر پیاده رفتن نسبت به سواره است؟ مگر در متن احادیث وارده به این اشاره شده است؟ چه بسا دلیل دیگری داشته باشد مثلاً رعایت بیشتر ادب یا تواضع، ملاک حکم باشد.

در اینجا لازم است به سخن برخی محققان اشاره شود که در جمع بین روایت «أفضل الأعمال أحمرها» و «نية المؤمن خير من عمله» (کلینی، ۸۴/۲) می‌گویند گرچه در حدیث

اخیر ظاهراً کار آسان‌تر - یعنی نیت - بر کار دشوارتر - یعنی عمل - برتری داده شده است، اما حقیقت آن است که خالص کردن نیت، کار به مراتب دشوارتری است از عمل و از این رو تناقضی میان این دو نیست (مازندرانی، ۵۰/۸). به نظر می‌آید که این تلقی از حدیث افضل الأعمال احمزها نوعی تأویل به شمار می‌آید و خروج از ظاهر است چه اینکه برخی از منابع ناقل این روایت صراحتاً از مشقت بدنی به عنوان معنا و مفهوم «أحمز» یاد کرده‌اند (شیبانی، ۴۹) ضمن اینکه دانشمندان علوم مختلف که به این روایت استناد کرده‌اند چنین معنایی از آن اراده نکرده‌اند چنانکه در همین مقاله نمونه‌هایی ذکر و مورد بررسی قرار گرفت. با نگاهی به مصادیق مطرح شده در سطور فوق - که البته تمامی مصادیق نیست - معلوم می‌شود که قیدها و تخصیص‌های متعددی برای روایت مورد بحث وارد شده است که عملاً آن را از عمومیت و اطلاق خارج می‌کند. گذشته از تمامی این‌ها شرایط جسمانی، روحی، موقعیت‌های گوناگون، سفر و حضر و... در افراد مختلف متفاوت است و عملاً قیاس را اگر نگوییم ناممکن، بسیار دشوار می‌سازد. چنانکه در گزارش‌های تاریخی آمده است امام باقر علیه السلام نماز وتیره را نشسته می‌خواند و امام صادق علیه السلام ایستاده (بهایی، ۱۳۳) و این تفاوت می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد. آیا می‌توان گفت نماز وتیره‌ی امام صادق علیه السلام افضل بر امام باقر علیه السلام بوده است؟ از تمامی اینها مهمتر نیت خالص و تقرب به خداست که به عمل، وزانت و شرافت می‌دهد. اعمال آنگاه فضیلت‌مند هستند که در مسیر تقرب به خداوند و بهبود سجایای انسانی و در مسیر رضایت خداوند باشند چنانکه قرآن فرموده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴). در مقام قیاس بین نماز دو نمازگذار که یکی متحمل مشقت شده و دیگری با سهولت نماز خوانده است - بر فرض اینکه قیاس بین دو عمل از یک نوع باشد که در موارد متعددی چنین نیست - بدون علم به اینکه کدام نماز بیشتر در مسیر خدمت به یاد الهی بوده، چگونه می‌توان به رأی صحیح دست یافت؟ بنابراین به صورت کلی نمی‌توان گفت هر عمل دشوارتری با فضیلت‌تر است و به عکس هر عمل آسانتری فضیلت کمتری دارد (حسینی طهرانی، ۶۶۹).

نتایج مقاله

۱. روایت «أفضل الأعمال أحمرها» ابتدا در منابع اهل سنت نقل شده و پس از آن به برخی کتب روایی شیعه نیز راه یافته است اگرچه هیچ کدام از جوامع روایی و منابع معتبر فریقین آن را نقل نکرده‌اند. در هیچ کدام از منابع ناقل روایت، سندی برای آن ذکر نشده است ضمن اینکه برخی از منابع متقدم، گوینده آن را ابن عباس معرفی کرده‌اند.
 ۲. از نظر محتوایی روایت مذکور با چالش‌هایی مواجه است. آیاتی از قرآن که به مقایسه بین اعمال می‌پردازند، کیفیتِ عمل را ملاک فضیلت قرار داده‌اند. به صورت خاص قرآن از واژه «أحسن» استفاده می‌کند در حالی که در روایت مورد بحث ملاکِ عمل کمی است. از سوی دیگر احادیث معتبری وجود دارد که از قضا در جوامع روایی نقل شده و صراحتاً از تحمیل سختی بر اعمال نهی کرده است. آنچه موجب برتری عمل می‌شود، نیت خالص و تأثیری است که آن عمل در حیات فردی و اجتماعی انسان می‌گذارد.
 ۳. علی‌رغم قلتِ نقلِ روایت در منابع روایی، منابع کلامی و فقهی در استدلال‌های خود از این روایت استفاده فراوانی کرده‌اند. به عبارتی هرچه نقل روایت اندک است اما بهره‌گیری از آن شیوع دارد. بر اساس بررسی‌های انجام شده در سه دانش کلام، اصول فقه و فقه از این روایت استفاده شده است. بیشترین فراوانی مربوط به دانش فقه است.
- نقد‌ها و تقض‌هایی بر استدلال‌های متکی بر این روایت وجود دارد. برخی از این نقد‌ها مبتنی بر روایاتی هستند که در همان موضوع، دیدگاه متفاوتی دارند. تخصیص‌ها و قیودی که بر این روایت وارد شده بسیار متعدد و متنوع است و عملاً آن را در عمومیت و اطلاق با چالش مواجه می‌سازد. از طرفی دیگر و از منظر استدلال عقلی، می‌توان قیاس میان اعمال را ناتمام دانست به خصوص آنکه برخی اعمال ذاتاً با مشقت همراه هستند و برخی اینگونه نیستند و تحمیل مشقت بیش از آنچه در ذات عمل است آنگاه که دلیلی نقلی یا عقلی نداشته باشد، نمی‌تواند با پاداش بیشتر همراه باشد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن ابی جمهور، محمدعلی بن ابراهیم، عوالی اللثالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، مطبعة سیدالشهداء، قم: ۱۳۶۲ش.
۳. ابن فارس، احمد، مجمل اللغة، تحقیق زهیر عبدالمحسن سلطان، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۶ق.
۴. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، تفسیر القرآن الکریم، مکتبه الهلال، بیروت: ۱۴۱۰ق.
۵. ابوقتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، تحقیق عبدالله جبوری، مطبعة العانی، بغداد: ۱۳۹۷ق.
۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۲۰۰۱م.
۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۹ق.
۸. بحرانی، سلیمان بن عبدالله، العشرة الكاملة فی الاجتهاد و التقليد، مؤسسة طيبة لإحياء التراث، بیروت: ۱۴۳۱ق.
۹. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، مؤسسه النشر الإسلامی، قم: بی تا.
۱۰. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، دارالکتب الإسلامیه، قم: ۱۳۷۱ش.
۱۱. بهائی، محمد بن حسین، حبل المتین فی احکام الدین، مکتبه البصیرتی، قم: بی تا.
۱۲. بهائی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و الليلة، جامعه مدرسين حوزة علمیه، قم: ۱۴۱۵ق.
۱۳. تسخیری، محمدعلی، القواعد الأصولیه والفقهیه، معاونة الثقافیه المجمع العالمی لتقريب بين المذاهب الإسلامی، قم: ۱۴۳۱ق.
۱۴. حربی، ابراهیم بن اسحاق، غریب الحدیث، تحقیق سلیمان ابراهیم محمد العابد، جامعة ام القرى، مکه: ۱۴۰۵ق.
۱۵. حسینی طهرانی، سیدهاشم، توضیح المراد، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۵ش.
۱۶. حلی، جعفر بن حسین، معارج الأصول، به کوشش محمدحسین رضوی، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم: ۱۴۰۳ق.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۱۷ق.
۱۸. همو، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مؤسسه النشر الإسلامی، قم: ۱۴۳۰ق.
۱۹. همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد: ۱۴۱۲ق.
۲۰. همو، نهاية الوصول الی علم الأصول، مؤسسه امام صادق، قم: ۱۳۸۳ش.
۲۱. خمینی، روح الله، کتاب الطهارة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۳۹۲ش.
۲۲. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، اسماعیلیان: ۱۳۹۰ش.
۲۳. سخاوی، شمس الدین، المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی السنه، دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۵ق.
۲۴. سماعی، منصور بن محمد، تفسیر القرآن، دارالوطن، ریاض: ۱۴۱۸ق.
۲۵. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، نشر هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.
۲۶. سیفی، علی اکبر، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیه الأساسیه، جامعه مدرسين حوزة علمیه، قم: ۱۴۲۵ق.
۲۷. سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۸. شانهچی، کاظم، تاریخ حدیث، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۹۰ش.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، مکتبه الداوری، قم: ۱۴۱۰ق.
۳۰. همو، مسالک الأفهام الی تنقیح الشرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، تهران: ۱۴۱۳ق.
۳۱. شبانی، محمد بن حسن، الکسب، تحقیق صحیح زکار، حرصونی، دمشق: ۱۴۰۰ق.
۳۲. سبزواری، محمد باقر بن محمد، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، مؤسسه آل البيت، قم: بی تا.

۳۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۳ق.
۳۴. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، موسسه آل البیت، قم: ۱۴۱۸ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن خراسان، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۴۰۷ق.
۳۶. همو، الخلاف، موسسه النشر الإسلامی، قم: ۱۴۰۷ق.
۳۷. همو، المبسوط فی الفقه الإمامیه، المكتبة المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، تهران: ۱۳۸۷ق.
۳۸. عجلونی، اسماعیل بن محمد، كشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی السنة الناس، مكتبة المقدسی، قاهره: ۱۳۵۱ق.
۳۹. عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح الصحیح البخاری، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۴۰. فاضلی بهسودی، محمد باقر، القواعد و الفروق، دارالتفسیر، قم: ۱۳۸۲ش.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر، الاربعین فی اصول الدین، مكتبة الکلیات الأهریه، قاهره: ۱۹۸۶م.
۴۲. همو، المحصل، مكتبة دارالتراث، قاهره: ۱۴۱۱ق.
۴۳. همو، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مكتبة الهلال، بی تا.
۴۵. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، مؤسسه ام القری، بیروت: ۱۴۱۶ق.
۴۶. قاسم بن سلام، ابوعبید، غریب الحدیث، تحقیق محمد عبدالعیدخان، دائره المعارف العثمانیه، حیدرآباد: ۱۹۶۴م.
۴۷. کرکی، علی بن حسین، رسائل المحقق الكرکی، مكتبة آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۹ق.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۴۰۷ق.
۴۹. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، مكتبة الإسلامیه، تهران: ۱۳۴۲ش.
۵۰. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی المشتهر شرح الفقیه، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۴ق.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، موسسه الوفا، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۵۲. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، قم: ۱۴۲۸ق.
۵۴. همو، پیام امام امیرالمؤمنین، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۳۷۵ش.
۵۵. همو، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ش.
۵۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، نشر بیدار، قم: ۱۳۶۶ش.
۵۷. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۶۲ش.
۵۸. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، تلخیص المحصل، دارالأضواء، بیروت: ۱۴۰۵ق.
۵۹. نقی زاده، حسن و کریمی، فاطمه، «روایات تفصیل در اصول کافی؛ همساز یا ناسازگار»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶۴، شهریور ۱۳۹۱ش.
۶۰. یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، عروة الوثقی، شرح محمد فاضل لنکرانی، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم: ۱۴۲۲ق.

